مرد را سر طریق نیکی بکشند عالم غیب یعنی معارف و معانی غیب

از قطع کردن مسافت بعید در زمان اندک همچنانکه آصف بن برخیا تخت بلقیس را

بنقل الجسم برهم زدن چشم از یمن باینجا حاضر کرد و ظهور الطعام و

الشراب واللباس عند الحاجه و ظاهر شدن طعام و شراب

و جامه در وقت حاجت بدلیل همچنانکه در حق مریم ظاهر شد قوله تعالی

کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا یعنی هر وقت که در می‌آمد

زکریا در محراب مریم خاتون دران جا عبادت می‌کرد می‌یافت آنجا روزی

مریم یعنی طعام و آن وقت سال می‌پرسید که از کجاست این طعام میوه از کجا

حاصل شد و المشی علی الماء و فی الهواء و همچو رفتن بر روی

آب و در هوا همچنانکه از جعفر طیار رضی الله عنه و شیخ لقمان

منقول شده است و کلام الجماد والعجماء واندفاع المتوجه

والبلاء

مسلمانان نموده شود والمتلصصة وقطاع الطریق و قهر کردن
دزدان و راه زنان واقامة الجمع والاعیاد و برپا داشتن
نماز جمعه و عیدها وقطع المنازعات الواقعة بین
العباد و بریدن نزاعها و خصومتها که واقع میشود میان بندگان خدا
وقبول الشهادات القائمة علی الحقوق و قبول کردن
گواهیها که قائم شود بر حقها یعنی گواهی که در حقوق شرعیه دلالت کند
حاکم باید با او سلوکی کند یا نکند وتزویج الصغار الذین
لا اولیاء لهم و نکاح کردن صغاری را که نبوده باشد مر ایشان را
ولی نسبی یا جاریه اسیری و پادشاهی وقسمة الغنائم
ونحو ذلک و قسمت کردن غنیمتها که از کفار گرفته باشند و مانند اینها
از امور که لابد است از جهت حکومت و لازم است اولیای حاکم را بکنند

ثم ینبغی ان نکون الامام ظاهرا لا مختفیا منتظرا
پس از آن سزاوار است که امام ظاهر نه پنهان و انتظار کشند
و درین قید رد مذهب شیعه میکنند که ایشان میگویند که امامی
برحق بهدا حوله شد که آنرا مهدی گویند و اکنون زنده است
و از جهت خوف ظلمه پنهان شده است و امام برحق پس از آن
امیر المؤمنین علی است کرم الله وجهه و بعد از امیر المؤمنین علی
فرزند او امیر المؤمنین حسن و بعد از آن امیر المؤمنین حسین
و بعد از آن پسر امیر المؤمنین حسین امام زین العابدین و بعد از آن
پسر او امام محمد باقر و بعد از آن پسر او امام جعفر صادق و بعد از آن
پسر او امام موسی کاظم و بعد از آن پسر او امام علی رضا
و بعد از آن پسر او امام محمد تقی و بعد از آن پسر او امام علی نقی و بعد از آن

او

پسر او امام حسن عسکری و بعد از آن پسر او امام محمد مهدی رضی الله عنهم که می گویند
اکنون زنده است و مختفی و ظهور او خواهد بود و امام حسن عسکری و جعفر علیهما السلام
و یکون من قریش ولا یجوز من غیرهم و می باید که باشد
امام و پادشاه از قریش و جایز نیست از غیر ایشان و لا یختص
ببنی هاشم و اولاد علی رضی الله عنهم و خاص نیست
بفرزندان هاشم و اولاد امیر المؤمنین علی رضی الله عنه و دلیل بر این آنست
که امیر المؤمنین ابوبکر رضی الله عنه روایت کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
الائمة من قریش یعنی پادشاه باید که از قریش باشد و هر گاه
این حدیث را امام مسلم در کتاب آورده و بخلافت ایشان اتفاق نموده‌اند و این
و امیر المؤمنین عمر و امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنهم از قریش بودند
از اولاد نضر بن کنانه اند و هاشمی نبودند و هاشم جد پدر عبد المطلب است

که جد رسول صلی الله علیه وآله وسلم است و پدر هاشم عبد مناف و
و پدر عبد مناف قصی و پدر او کلاب و پدر او مرة و پدر او
کعب و پدر او لوی و پدر لوی غالب و پدر غالب فهر
و پدر فهر مالک و پدر مالک نضر و پدر نضر کنانه و پدر کنانه
خزیمه و پدر خزیمه مدرکه و پدر مدرکه الیاس و پدر الیاس مضر
و پدر مضر نزار و پدر نزار معد و پدر معد عدنان تا اینجا اتفاق
در نسب آنحضرت و خلفای عباسیه نیز از بنی هاشم اند از جهة آنکه
عباس و ابوطالب هر دو پسر عبد المطلب اند و لا یشترط فی
الامام ان یکون معصوما و شرط نیست در امام اینکه معصوم
بود از گناه و بعضی گفته اند عصمت شرط است در امامت بدلیل آنکه
که قال لا ینال عهدی الظالمین اعنی خدای تعالی میفرماید

نمی‌رسد عهدی الظالمین و کسی که معصوم نباشد ظالم باشد پس عهد

امامت باو نرسد و لایق نیست و جماعتی گفته‌اند که این آیت

و جواب از این آن گفته‌اند که ظالم آنست که مرتکب معصیتی گردد که عدالت

او باطل شود و توبه و اصلاح آن نکند پس غیر معصوم لازم نیست

که ظالم باشد و لا یکون افضل زمانه و لازم نیست که امام

امام افضل اهل زمان خود در علم و عمل و غیر آن از صفات کمال بود

که کسی که علم او کمتر باشد مصالح امامت و امور مسلمانان را داناتر باشد

و قادرتر بر کفایت امور مسلمانان و یشترط ان یکون

من اهل الولایة الکاملة و شرط است که امام از اهل

ولایت کامله یعنی تصرف بکمال تواند نمود در امور بعضی مسلمانان

و آزاد بود و مرد بود و عاقل و بالغ و شنوا و بینا و مالک باشد

مر نصرت و سد کردن ثغور مسلمانان بقوت سپاهی خود و اقامت نمودن حکم

قادرا على تنفيذ الاحكام وحفظ حدود دار

الاسلام و قادر بر علم و عدل و کفایت و سخاوت خود بر

درست کردن احکام مسلمانان و نگاه داشتن حدهای دیار اسلام

وانصاف المظلوم من الظالم و قادر بر بستدن انصاف

مظلوم از ظالم ولا ينعزل الامام بالفسق و معزول نشود

امام بسبب فسق یعنی نافرمانی کردن خدای تعالی و الجور و معزول نشود

بسبب ستم کردن بر بندگان خدای تعالی و يجوز الصلوة خلف

كل بر و فاجر و روا است نماز کردن در عقب هر نیکوکاری

و بدکاری اگرچه در عقب فاسق و مبتدع مکروه است اگر آن فسق و بدعت

منجر بکفر نشود که اگر منجر بکفر شود خود روا نیست نماز که سبک و الوان کناه

باجو

تا خود صلاح حال او در آن است و نصلی علی کل بر و فاجر

و نماز گذاردن پس هر مسلمان که اهل ایمان است خواه نیکوکار

و خواه بدکار و نکف عن ذکر الصحابة الا بالخیر و

باز ایستیم از ذکر کردن صحابه مگر بخیر از جهت آنکه حضرت رسالت صلی الله علیه

منع فرموده که هر که صحابه مرا ایذا کند چنان است که مرا ایذا کرده است

و هر کس مرا ایذا کند خدای تعالی را ایذا کرده است و هر کس خدای تعالی را

ایذا کند زود باشد که خدای تعالی او را بگیرد و در فضائل هر یک از صحابه کرام

احادیث صحیح رسیده است و اختلاف است میان علما در مسائل لعن یزید است

تا و ... و در مسائل لعن بعضی کفر است و بعضی بدعت و فسق و از

هیچ یک از سلف منقول نیست روا داشتن لعن معاویه و اتباع او اگرچه

آنها باغی بوده‌اند اما در جواز لعن یزید خلاف کرده‌اند و در خلاصه

گفته است که هر که بمیرد که این کس سنی بوده و بر جنازه او نماز کنند مسلمانان

نماز مسلمانان کرده است و بعضی گفته‌اند که روا است لعن بر یزید چرا که

کافر شده است و در این وقت که امر لعنت اهل سنت در حق یزید است نظم

ابلیس رفت و کفر بدو دفع سنجری خروارها لعنت به یزید بد نشید

[illegible] لعنت کسی که حرام [illegible]

بر یزید و نشهد بالجنة للعشرة الذین بشرهم النبی

علیه السلام و گواهی دهیم به بهشت ایشان که ده تن از اصحاب رسول

صلی الله علیه و آله و سلم که [illegible] ایشان بهشتی‌اند

یکی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر و عبدالرحمن عوف و سعد بن

ابی وقاص و سعید بن زید و ابو عبیده جراح رضی الله عنهم و همچنین به

دلالت فاطمه و حسن و حسین رضی الله عنهم و نری المسح علی

الخفین

الخفين في السفر والحضر وانفعال كنند كه روا است مسح كردن

بر موزه در سفر و حضر و امام كرخى گفته است كه خوف كفر است

بر كسى كه مسح بر موزه روا نداند و با تفاق خود مبتدع است

ولا نحرّم نبيذ التمر و ما كه حرام نداريم نبيذ خرما را

مادام كه بحد سكر نرسيده است و اگر بحد سكر رسيده است خود حرام است

ولا يبلغ ولي درجة الانبياء و نمى رسد هيچ ولى

بدرجه پيغمبران از جهت آنكه انبيا معصوم اند و از خوف خاتمه

ايمن و وحى الهى و مشاهده ملائكه مشرف گشته اند و مامور اند

به تبليغ احكام و الحمد لله بعضى كراميه غلط كرده اند كه روا است

ولى افضل باشد از نبى اين كفر است نزد اهل سنت و جماعت

ولا يصل العبد ما دام عاقلا بالغا الى حيث يسقط

منه الامر والنهی و نمی رسد هیچ بنده مادام که عاقل و بالغ باشد

بجایی که ساقط شود از وی امر و نهی و بعضی اهل اباحت گفته اند

در حق بنده چون محبت او برسد و صفای دل او بنهایت برسد ساقط میشود

امر و عبادات ظاهری و عبادت او بعد از آن تفکر است و این محض کفر است

و ضلالت زیرا که کاملترین ایشان در محبت و ایمان حضرت پیغمبر است صلی الله علیه وسلم

و امر و نهی از وی ساقط نشد الا آن حدیث که روایت کرده اند

که اذا احب الله عبدا لم یضره ذنب که چون خدای تعالی

بنده را دوست دارد ضرر نکند او را هیچ گناه محمول است بر آنست

در حق سبحانه او را معصوم گرداند از گناه والنصوص

من الکتاب والسنة تحمل علی ظواهرها و نصوص

یعنی آیات و احادیث محمول بر ظاهر خود است مادام که دلیل قطعی مانع نباشد

از تأویل

برتاویلت ظاهرلرینه حمل اولنور فالعدول عنها الى معان يدعيها
اهل الباطن الحاد وکتنی لرظواهرکن ولعالت
معنیهاکه دعوی ایدرلر شمدن اول معنیلر باطن اهل الحاد
کفر اولور الحاد کفر واثبات یعنی الحادیلر ظاهر نصلرین بعضیلرین
انکار ایدوب محققاتن بعضی آیات واحادیث ظاهرلرین معانی فیقه ایله
الاحکام اعمال ومحض عبادات ایلی ورد النصوص کفر وردکردن
الاحکام وحلاله مستکبر آیت یاحدیث الصریح کفرست واستحلال
المعصية كفر وحلال کمی معصیت کفراولور خواه صغیره خواه کبیره
وهرکه بر دلیل نفسی ماثبت اوله کهی معصیت والاستهانة
بها كفر وحلالدر سنکناه کفر اولور والاستهزاء على
الشريعة كفر ومسخره کلل برشریعت کفر اولور والمزح قبیلدن کس حلال اتفاق

و سحر که گویند بر بعضی کفر است و سحر حرام داند با جماع ائمه و اگر
حلال داند کافر میشود و امام [illegible] گفته است در کتاب حیض که اگر وطی حایض
حالت حیض را حلال داند کافر میشود و در نوادر از امام محمد گفته است که کافر نشود و اگر
لواطه را بعد از حرمت حلال داند کافر میشود بسبب بعضی و اگر با اسمی از اسماء الله
یا امری از اوامر الهی مسخره کند کافر شود و همچنین اگر کسی کلمه کفر گوید و دیگری
رضا دهد کافر میشود و همچنین اگر کسی بر بلندی نشیند و دیگران را بگوید [illegible] مسایل
می پرسیده باشند و بالشها بر وی میزده باشند و می خندیده باشند همه کافر
میشوند و اگر کسی را بگویند [illegible] با جماعت [illegible] [illegible]
[illegible] کافر شود [illegible] [illegible]
[illegible] بسم الله گوید کافر میشود و اگر بقصد [illegible]
[illegible] کافر شود و همچنین اگر کلمه [illegible] گوید

اگر چه بعضی علما بمعنی لا اند اشته بر کفر است واليأس من الله تعالى

كفر يعني نوميد شدن از فضل حق تعالى كفر است لقوله لكنه فضل حق تعالى فرموده كه ولا

تيأسوا من روح الله الا القوم الكافرون يعني نوميد نميشود از رحمت الهي

مگر گروه كافران والأمن من الله تعالى كفر وايمن شدن از فضل حق تعالى

كفر است لقوله لكنه فضل حق فرموده لا يأمن مكر الله الا القوم الخاسرون

يعني ايمن نميشود از مكر خداي تعالى مگر گروه زيانكاران سؤال مركب يأس و امن

و امثال آن را كفر مسمى حال آنكه واقع شده است كه تكفير ايمان فيه نكنند جواب لكن

كه اگر اين بر ظاهر حقيقت اشكال صلى كه مگر كه كفر را مجاز اطلاق كنند بر دال

بر كفر يعني چيزي كه دلالت بر كفر كند آن را كفر گويند مجاز اما حقيقت كفر الكفار قول دي

كه در مقابل تصديق افعال است يا جحود كليه كه واقع شده است كه تكفير ايمان فيه نكنند

محمول بر دلالت كه و فرق كه از في چيز ظاهر شود كه دلالت بر عدم ايمان او داشت چيزي

ظاهر شود تکفیر او توان کرد و تصدیق الکاهن بما یخبره
عن الغیب کفر و راست گوی داشتن کاهن را بآنچه خبر میکند از غیب
کفر است و کاهن آنکس است که خبر میکند از امور آینده و دعوی معرفت
اسرار میکند مطالعه علم غیب و منجم و کسیکه دعوی کند دانا بودن
حکم ایشان بامور آینده او مثل کاهن است و همچنین هر کسی که دعوی کند
اطلاع بر غیب تصدیق او کردن کفر است و از اینجهت [illegible] میگفت
که اگر کسی دوره ماه را ببیند و حکم بباران کند از دعوی علم غیب میکند
حکم کفر است و اگر از علامات دلیل کار میکند والمعدوم لیس
بشیء و معدوم چیز نیست بقول اهل سنت و جماعت از جهة آنکه شیء را
بمعنی موجود و ثبوت اطلاق میکنند و معدوم را موجود نمیدانند و میان
نفی و اثبات تضاد است وفی دعاء الاحیاء للاموات

وصدقتهم

وصل فانهم عنهم نفع دهم و در دعا کردن زندها مردها را
و صدقه دادن زندها از برای ایشان نفع مر ایشان را است چنانکه
در نماز جنازه دعا برای میت واقع شده و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده
که ما من میت یصلی علیه امة من المسلمین یبلغون مائة کلهم یشفعون
له الا شفعوا فیه یعنی هیچ میتی نیست که نماز کنند بر او جماعتی از مسلمانان
که عدد ایشان به صد برسد که همه شفاعت کنند مگر اینکه قبول کند حق تعالی
شفاعت ایشان را در حق او و در روایتی چهل نیز واقع شده و
در روایت دیگر سه صف و در حدیث دیگر واقع شده است
که الدعاء یرد البلاء یعنی دعا رد میکند بلا را و الصدقة تطفی
غضب الرحمن یعنی صدقه فرو می نشاند غضب خدا را و دیگر فرموده که
العالم والمتعلم اذا مرا علی قریة فان الله یرفع العذاب عن مقبرة

ملک الفرشه از بعض بود یعنی جون عالم و متعلم بر فرشه بکذرند بسی
مدرسه که لدرحی بر سبیل وعدی از اکو دبستان الی فرسخ جهار روند
ولطارت ذرین بار بسیار السنا اما نزد صحی دعا بکو که
ثواب آن عمل را بروح اموات برسان والله تعالی

مجیب الدعوات و تقضی الحاجات خدای

قبول میکند دعاهای او بر آورد حاجتها را چنانکه فرموده است
ادعونی استجب لکم یعنی مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم کفت یستجاب للعبد ما لم یدع باثم او قطیعه
رحم ما لم یستعجل یعنی اجابت میکند خدای تعالی دعاهای بنده را مادام که
نکند دعا بکنند یا ببریدن رحم و تعجیل نکنند در اجابت دعا یعنی
دست از دعا برندارد اکرچه دعای او در اجابت مثلا اکر دست از دعا

بدارد

بر در الله بی نصیب نباشند و موجب محرومی از اجابت و حکایت حضرت
رسول صلی الله علیه و سلم ان ربکم حی کریم یستحیی من عبده اذا
رفع یدیه الیه ان یردهما صفرا یعنی بدرستی و راستی که پروردگار
شما ای مسلمانان با حیا و کریم است شرم میدارد از بنده خود وقتی که
بر دارد دستهای خود را بحضرت او که او رد کند دستهای او را خالی و لا حاصل
در دعا خلوص نیت و حضور دل است و بعضی فرموده اند که خدای تعالی
اجابت نمیکند دعای اهل غفلت را و بعضی گفته اند که حق سبحانه و تعالی
دعای کافر را اجابت نمیکند اما فتوی بر آنست که دعای ایشان
که دعای ایشان نیز اجابت میشود چنانکه در آیت کریمه رب
فانظرنی الی یوم یبعثون خبر میکند از اجابت دعای ابلیس و
ما اخبر النبی علیه السلام من اشراط الساعة من خروج الدجال

ودابة الارض ویاجوج وماجوج ونزول عیسی من السماء
وطلوع الشمس من مغربها فهو حق ودلیل خبر کرده است پیغمبر صلی الله علیه
وآله وسلم از علامات قیامت که خروج دجال است وخروج
دابة الارض ویاجوج وماجوج وفرود آمدن عیسی علیه السلام
از آسمان وبرآمدن آفتاب از جانب مغرب همه اینها حق است
وتفاصیل وکیفیات اینها در کتب تفاسیر وسیر واحادیث
وتواریخ مبین است والمجتهد قد یخطی وقد یصیب
واجتهاد کننده گاه خطا میکند وگاه صواب وخطاء
او را نیز ثواب میدهند چنانکه در حدیث واقع شده
ورسل البشر افضل من رسل الملائکة ورسولان فاضلترانند
از رسولان ملائکه یعنی پیغمبران ما از جبرئیل ومیکائیل واسرافیل

و غیر آن فاضل‌اند که انبیا رسل ملائکه‌اند و رسل

الملائکة افضل من عامة الملائکة و عامه بشر که اولیا

غیر انبیا باشند یعنی اولیا و عامة البشر افضل من عامة

الملائکة و عامه بشر که اولیا باشند فاضل‌ترند از عامه ملائکه که

عامه که غیر اولیا باشند ملائکه را از انسان افضلند چنانکه در عقاید فقه

واقع شده و حجت بر این آیات قرآن است مثل آیت

و علم آدم الاسماء و آیت ان الله اصطفی آدم و

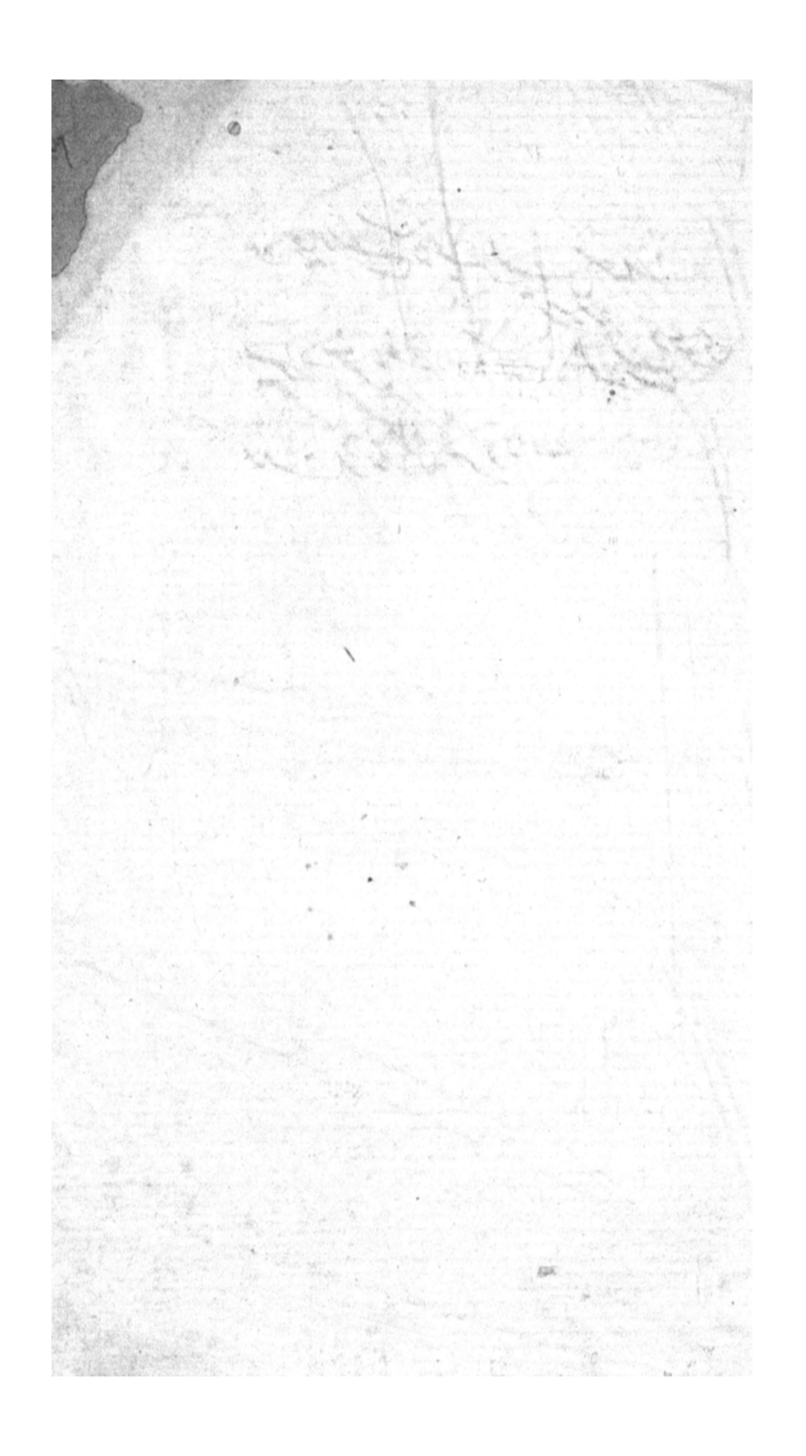
نوحا و آل ابراهیم الآیة و امثال این بسیار است

والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی نبینا محمد و آله اجمعین

وقع الفراغ من تسوید هذه النسخة المبارکة المسماة بشرح العقائد الفارسیة

البشر و رسل ملائکه
مذکور شد فاضل‌تر اند از عوام

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]



من محمد موسی که پسر یس است
میراث یافتم این کتابین اگر کسی دعوی
کند باطل گردد وفقط

یادداشت نسخه هذا تاریخ شب یازدهم ماه [illegible] سنه ۱۲۳۰ [illegible]
[illegible] فضل الله [illegible] مجموع را [illegible] [illegible] سبک [illegible]
به دست سید احمد [illegible] مجموع [illegible] [illegible] خط

تمام شد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي اطلع من آفاق كتابه العزيز نيرات اوضاح الغرر وحفه
بآثار الكرامات وكرامات الاثر وجعله بحرا يخرج منه فوائد الجواهر ونفائس الدرر
وامدنا برية الافهام بتورية الالهام فتجلت منه نواهر الآيات وعجائب الخبر
واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
الذي عبد الله وشكر عليه وآله واصحابه الذين بدا الله بهم الدين فظهر اما بعد
فان الله سبحانه وتعالى جعل كتابه العزيز للادواء شفاء ولصدى القلوب جلاء
فهو النور الذي لا يشبهه نور والبرهان الذي تشفى به النفوس وتشرح به الصدور
فرايت ان اجمع في هذا الكتاب من كتاب البرق اللامع والغيث الهامع
تاليف القاضي ابي بكر الغساني ومن كتاب فيه خواص الآيات من القرآن
وفوائح من السور للامام ابي حامد حجة الاسلام الغزالي وسميته بالدر المنظم
في فضائل القرآن العظيم والآيات في الذكر الحكيم والله المستعان وعليه التكلان وهو
حسبنا

حسبنا ونعم الوكيل **فصل** فيه نبذة مما جاء في فضائل القرآن وتلاوته
عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم انه قال ما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله
يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم الا نزلت عليهم الرحمة وغشيتهم السكينة و
واظلتهم الملائكة باجنحتها واستغفروا لهم حتى يخوضوا في حديث غيره ومن
سلك طريقا يطلب فيه وجه الله تعالى سهل الله له طريقا الى الجنة ومن
بطأ به عمله لم يسرع به نسبه **وقال** عليه الصلوة والسلام ما من رجال يجتمعون
ويتلون كتاب الله الا كانوا اضياف الله **وقال** عليه الصلوة والسلام
ما من قوم اجتمعوا يذكرون الله عز وجل لا يريدون بذلك الا وجهه الا ناداهم
منادٍ من السماء قوموا مغفورا لكم قد بدلت سيئاتكم حسنات **وقال**
عليه الصلوة والسلام من تعلم القرآن ثم قام به فهو كمثل جراب محشو
مسكا يفوح من ريحه كل مكان ومن تعلم القرآن ثم رقد به وهو في جوفه
فهو مثل جراب ذكي على سبيل **عن** ابي سعيد الخدري انه عليه الصلوة
والسلام قال ثلثة يوم القيمة على كثبان المسك لا يحزنهم الفزع الاكبر ولا يكترثون
الحساب رجل قرأ القرآن محتسبا ورجل ام قوما محتسبا ومملوك ادى
حق الله وحق مواليه **وقال** عليه الصلوة والسلام ان في القرآن لسورة
تسمى العزيزة عند الله ويدعى صاحبها الشريف عند الله تشفع يوم القيمة لصاحبها

في اكثر من ربيعة ومضر قالوا يا رسول الله ما هي قال سورة يس وقال
انس بن مالك تفاخرت الاوس والخزرج فقال الاوس منا
غسيل الملائكة حنظلة بن الراهب ومنا من حمته الدبر عاصم بن
ثابت بن ابي الافلح ومنا من اجيزت شهادته بشهادة
رجلين خزيمة بن ثابت ومنا من اهتز لموته عرش الرحمن سعد بن معاذ
فقال لهم الخزرجيون منا اربعة قرأوا القران على عهد رسول الله
صلى الله عليه وآله وسلم لم يقرأه غيرهم زيد بن ثابت ومعاذ بن جبل وابي
بن كعب وابو زيد قال ابو عمر يعني لم يقرأه كله احد منكم يا معشر الاوس
ولكن قد قرأه جماعة من غير الانصار في حياة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
منهم عبد الله بن مسعود وسالم مولى ابي حذيفة وغيرهم وعن ابي امامة
انه كان يقول اقرأوا القران ولا تغرنكم هذه المصاحف المعلقة فان
الله تعالى لم يعذب قلبا وعى القران وقال عليه السلام والصلوة ان الله
يرفع بهذا الكتاب اقواما ويضع بها آخرين وعن ابي سعيد الخدري قال
جاء رجل الى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقال يا رسول الله اوصني فقال
عليك بتقوى الله فانه جامع كل خير وعليك بالجهاد فانه رهبانية الاسلام
وعليك بذكر الله عز وجل وتلاوة كتابه فانه نور لك في الارض وذكر لك في السماء

واخزن

واخرس لسانك الا من خير فانك بذلك تغلب الشيطان وقال عليه
الصلوة والسلام اهل القران هم اهل الله وخاصته وعن هشام
بن الحارث عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال يا ابن عباس
الا اهدي لك هدية علمني جبرئيل للحفظ الا اعلمك شيئا للحفظ قال
قلت بلى يا رسول الله قال تكتب في طست بزعفران فاتحة الكتاب والمعوذتين
وقل هو الله احد وسورة يس الى اخرها وسورة الملك الى اخرها وسورة الحشر الى اخرها
وسورة الواقعة الى اخرها ثم تصب عليها ماء زمزم او من ماء السماء او من ماء البحر
وتشربه على الريق في السحر مع ثلث مثاقيل لبان وعشر مثاقيل عسل وعشر مثاقيل
سكر ثم تصلي بعد الشرب ركعتين تقرأ فيهما قل هو الله احد في كل ركعة خمسين مرة
وفاتحة الكتاب خمسين مرة ثم تصبح صائما قال ابن عباس لا ياتي عليك اربعون
يوما الا وتصير حافظا قال وهذا لمن عمره دون ستين سنة قال ابن عباس فعملته
كان كما قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وكان الزهري يكتب للاولاد
ويسقيهم اياها قال الزهري جربناه فوجدناه نافعا لمن دون ستين سنة
قال عاصم فعملته لنفسي وانا ابن خمس وخمسين سنة فلم يات علي شهر حتى
رايت في نفسي من الزيادة في الحفظ ما لا اقدر على وصفه فصل في الدعاء
عند ختم القران ينبغي ان يدعو عند ختم القران بما رواه ابو هريرة عن رسول الله

دعاء ختم القران

صلى الله عليه وسلم انه كان اذا ختم القرآن دعا قائما باسطا يديه
رافعهما الى السماء يقول الحمد لله رب العالمين الحمد لله الذي خلق السموات
والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون لا اله
الا الله كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا لا اله الا الله كذب
المشركون من العرب والمجوس واليهود والنصارى والصابئون ومن
دعا الله عز وجل ولدا وصاحبة ونداً وشبها او مثلا او عديلا او سميا
تباركت ربنا وتعاليت عن ان تتخذ شريكا مما خلقت الحمد لله الذي لم
يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا و
له الكبرياء في السموات والارض وهو العزيز الحكيم الله اكبر كبيرا والحمد لله كثيرا
وسبحان الله بكرة واصيلا الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم
يجعل له عوجا قيما لينذر باسا شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين الذين يعملون
الصالحات ان لهم اجرا حسنا ماكثين فيه ابدا وينذر الذين قالوا اتخذ الله
ولدا ما لهم به من علم ولا لآبائهم كبرت كلمة تخرج من افواههم ان يقولون الا كذبا
الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم
الخبير يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
وهو الغفور الرحيم الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى الله خير اما يشركون

لا اله

بل الله خير وابقى واحكم واكرم واجل واعظم مما يشركون الحمد لله بل
اكثرهم لا يعلمون الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا
اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل
شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له
من بعده وهو العزيز الحكيم صدق الله العظيم وبلغت رسله وانا على ذلك
من الشاهدين اللهم صل على جميع الملائكة والمرسلين وارحم عبادك الصالحين
من اهل السموات واهل الارضين واختم لنا بخير وافتح لنا بخير وبارك لنا
في القران العظيم وانفعنا بالايات والذكر الحكيم ربنا تقبل منا انك
انت السميع العليم بفضل بسم الله الرحمن الرحيم ثم اذا افتتح القران
قال مثل ذلك وروي عن مطرف الشخير كان يدعو افتتاح
القران اللهم ربنا لك الحمد انت المتوحد بالقدرة والسلطان
القوي المبين ربنا لك الحمد انت المتعالي بالعز والكبريا قبل ان
تخلق السموات السبع والعرش العظيم ربنا لك الحمد انت المكتفي
بعلمك والمحتاج اليك كل عليم ربنا لك الحمد على ما علمتنا من الحكمة
والقران العظيم ربنا ولك الحمد على ما علمتنا قبل رغبتنا في تعلمه و
اختصصتنا به قبل علمنا بنفعه اللهم فقد كان ذلك منك منة وفضلك

وجودك لطفا بنا ورحمة لنا وامتنانا علينا من غير حولنا ولا حيلتنا
ولا قوتنا اللهم حبب لنا حسن تلاوته وحفظ آياته وايمانا بمتشابهه
وعملا بمحكمه وهدى في تدبره وبيانا في تأويله ونصرة بنوره اللهم انك
انزلته شفاء لاوليائك وشقاء على اعدائك وعمى على اهل معصيتك
ونورا لاهل طاعتك اللهم اجعله لنا حصنا من عذابك وحرزا من غضبك
وحاجزا من معصيتك وعصمة من سخطك ودليلا على طاعتك اللهم
اني اعوذ بك من القسوة في حمله والعمى عن علمه اللهم اجعلنا نتبع حلاله ونجتنب
حرامه ونعرف حدوده ونؤدي فرائضه اللهم ارزقنا حلاوة في تلاوته و
تنشيطا في قيامه اللهم انقض ببركته ذنوبنا وعافنا به من خزي الدنيا
وعذاب الآخرة وفضيحتهما انك على كل شيء قدير كان رسول الله
صلى الله عليه وآله وسلم اذا قرأ القرآن يقول اللهم ارحمني بالقرآن واجعله
لي اماما ونورا وهدى ورحمة اللهم ذكرني منه ما نسيت وعلمني ما جهلت
وارزقني تلاوته آناء الليل واطراف النهار واجعله حجة لي ولا تجعله حجة
علي يا رب العالمين وبلغنا ان الامام جعفر الصادق عليه السلام كان
يدعو اذا تلا اللهم اعزني بالقرآن اللهم اهدني بالقرآن اللهم اجبرني
بالقرآن اللهم ارزقني بالقرآن وعن عائشة قالت ما جلس رسول الله

صلى الله عليه واله وسلم مجلسا قط ولا تلا قرانا ولا صلى صلوة الا ختم
ذلك بكلمات قالت فقلت يا رسول الله ارى ما تجلس مجلسا ولا تقرا
قرانا ولا تصلي صلوة الا ختمت بهولاء الكلمات قال نعم من قال خيرا ختم له
بطابع على ذلك الخير ومن قال شرا كان له كفارة سبحانك اللهم ربنا وبحمدك
اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شريك لك واستغفرك واتوب اليك

البسملة

فصل في بعض المعارف في فضل البسملة ما علم انها اول كتاب الله
عز وجل واول الكتب الذي كان رسول الله صلى الله عليه واله وسلم
يرسلها نقل من كتاب فضايل القران لابي عبد القاسم بن
سلام عن ابي الحارث العقيلي كان كتاب رسول الله صلى الله عليه واله وسلم
اولا باسمك اللهم فجرى بذلك ما شاء الله ان يجرى ثم نزلت بسم الله
مجريها ومرسيها فكتب بسم الله فجرت بذلك ما شاء الله ان يجرى ثم
نزل قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فكتب بسم الله الرحمن فجرت
بذلك ما شاء الله ان يجرى ثم نزلت انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن
الرحيم حكي عن منصور بن عمار انه وجد رقعة في الطريق مكتوب فيه بسم الله
الرحمن الرحيم فاخذها فلم يجد لها موضعا فاكلها فراى في النوم ان قائلا
قال له قد فتح الله عليك باب الحكمة باحترامك لتلك الرقعة وكان بعد ذلك

يتكلم بالحكمة وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما من كتاب ملقى
بمضيعة من الارض فيه اسم من اسماء الله تعالى الا بعث الله اليه الملائكة
يحفونه باجنحتهم حتى يبعث وليا من اوليائه فيرفعه من الارض ومن رفع
كتابا من الارض فيه اسم من اسماء الله تعالى رفعه تعالى في عليين ونقل
سبب توبة بشر بن الحارث الحافي انه اصاب في الطريق كاغذة مكتوبة
عليها اسم الله تعالى قد وطئتها الاقدام فاخذها واشترى بدرهم كان
معه غالية فطيب بها الكاغذة وجعلها في ثقب حائط فرأى فيما يرى
النائم كان قائلا يقول له يا بشر طيبت اسمنا لاطيبن اسمك في الدنيا والآخرة
فكم من غني كان راكبا لا يمشي ويستنكف ان يكون حافيا مات اسمه
بموته وهذا كان فقيرا حافيا بقي اسمه على الاحقاب فليعلم العاملون
ان لا يخسر احد على الله ولا يضيع عمل عامل الله وقال رسول الله صلى الله
عليه وآله وسلم اكتبوا بسم الله الرحمن الرحيم في كتابكم فاذا كتبتموها فتكلموا بها
وقال عليه الصلوة والسلام لعثمان بن عفان بسم الله الرحمن الرحيم
اسم الله الاعظم وما بينه وبين اسم الله الاكبر الا كما بين سواد العين و
بياضها من القرب وقال مكي بسم الله الرحمن الرحيم تدل على اسم باطن
وهو الاسم المخزون المكنون الذي اذا دعي الله تعالى به اجاب وعن الزهري

في قوله تعالى والزمهم كلمة التقوى قال بسم الله الرحمن الرحيم وعن عائشة
قالت قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم قراءة القران في غير صلوة
افضل من التسبيح والتكبير والتسبيح والتكبير افضل من الصدقة والصدقة افضل
من الصيام والصيام جُنّة من النار وعن ابي موسى عن النبي صلى الله عليه واله وسلم
قال مثل المؤمن الذي يقرأ القران كمثل الاترجة طعمها طيب وريحها
طيب ومثل المؤمن الذي لا يقرأ القران كالتمر طعمها طيب ولا ريح لها
ومثل الفاجر الذي يقرأ القران كمثل الريحانة ريحها طيب وطعمها مر ومثل
الفاجر الذي لا يقرأ القران كمثل الحنظلة طعمها مر ولا ريح لها وعن ابي
امامة قال قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم اقرأ القران فانه نعم الشفيع
لصاحبه وعن سفيان الثوري ان رسول الله صلى الله عليه واله وسلم
قال من قرأ في المصحف ثمانين آية كتب الله له عدد كل شيء في الدنيا حسنات
وقال عبد الله بن مسعود ادیموا النظر في المصحف فانها عبادة وقال رسول الله
صلى الله عليه واله وسلم من قرأ القران في اقل من ثلثة لم يفقهه وكان
عثمان بن عفان يبتدي بالختمة ليلة بالجمعة ويختم ليلة الخميس وعن عمر بن
الخطاب انه قال اذا قام العبد من الليل فتسوك وتوضأ ثم قام للصلوة
فكبر وقرأ وضع الملك فاه على فيه ويقول انك قد طبت وطاب لك وان

طعمها

توضاء ولم ليتك حفظ عليه لم يعد ذلك الا وان قراءة القران مع الصلوة
كنز من كنوز الجنة وخير موضوع فاستكثروا منه ما استطعتم فان الصلوة نور والزكوة
برهان والصبر ضياء والصوم جنة والقران حجة لكم وعليكم فاكرموا القران ولا تهينوه
فان الله مكرم من اكرمه ومهين من اهانه واعلم من تلا القران وحفظه وعمل
واتبع ما فيه كانت له عند الله دعوة مستجابة يوم القيمة وان شاء عجلها له في
الدنيا وادخرله في الآخرة واعلموا ان ما عند الله خير وابقى للذين آمنوا وعلى
ربهم يتوكلون **فصل** في آداب القراءة وفيه مسائل ينبغي للقاري
الاعتناء بها وهي الاخلاص بها في قراءته وان يريد بها وجه الله سبحانه
وان لا يقصد بها تفضلا على شيء سوى ذلك وان يتادب مع القران
وان يستحضر ذهنه فانه يناجي الله تعالى ويتلو كتابه كانه يراه فان لم يره
فان الله سبحانه يراه ثم اذا اراد القراءة نظف فاه بالسواك ويقول
عند السواك اللهم بارك فيه يا ارحم الراحمين ويمر السواك على اطراف
اسنانه وكراسي اضراسه وسقف حلقه امرارا لطيفا ويستاك
بعود والاولى ان يكون من اراك فان كان يابسا لينه بالماء
ويكره القراءة اذا كان نجس بدم او غيره قبل غسله ولا يحرم وينبغي للقاري
ان يكون شانه الخشوع والتدبر والخضوع والتباكي لمن لا يقدر على البكاء

التدبر ... [illegible]

فا

فانه صفة العارفين وشعار الصالحين وقال ابراهيم الخواص دواء
القلوب خمسة اشياء قراءة القرآن بالتدبر وخلو الباطن وقيام الليل
والتضرع عند السحر ومجالسة الصالحين والقراءة في المصحف افضل من
القراءة في حفظه واعلم انه جاءت آثار بفضيلة رفع الصوت بالقراءة
وآثار بفضيلة الاسرار افضل لانه ابعد من الرياء فان لم يخف الرياء
فالجهر افضل بشرط ان لا يؤذي غيره من مصلي او نائم او غيرهما وفضيلة
الجهر لان العمل فيه اكثر ويتعدى نفعه الى غيره ويوقظ قلب القاري ويجمع
همه الى الفكر ويصرف سمعه اليه ويطرد النوم ويزيد في النشاط ويوقظ
النائم والغافل فمن حضره شيء من هذه النيات فالجهر افضل ويستحب
تحسين الصوت بالقراءة ما لم يخرج عن حد القراءة بالتمطيط فان افرط
ولا يستحب تحسين الصوت بالقراءة حتى زاد حرفا او اخفى حرفا فهو حرام وكذلك
وكذلك قراءته بالالحان وكذلك يستحب للقاري اذا ابتدأ من وسط السورة
ان يبدأ من اول الكلام ولا يتقيد بالاجزاء والاحزاب والاعشار فان كثيرا
منها في وسط الكلام المرتبط بالكلام فلا يغتر الانسان بكثرة الفاعلين لهذا
الذي نهينا عنه ولهذا قال بعض العلماء قراءة سورة بكمالها افضل من قراءة
قدر ما من سورة طويلة لانه يخفى الارتباط على كثير من الناس ونهي عن قراءة سورة الانعام

في ركعة واحدة ويكره ان يقول نسيت اية كذا او سورة كذا بل يقول
نسيتها روى البخاري ومسلم عن ابن مسعود ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
قال لا يقول احدكم نسيت اية كذا بل هو نسي وقراءة القران اكد الاذكار
فينبغي المداومة عليها فلا تخلوا منها يوما وليلة ويحصل له حظ في القراءة بقراءة
الآيات القليلة وعن عمر بن الخطاب قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
من نام عن حزبه عن الليل وعن شيء منه فقراءه ما بين الصلوة الفجر وصلوة الظهر
كتب له كانما قراءة من الليل اخرجه مسلم وفي الصحيحين انه عليه الصلوة
والسلام قال انما مثل صاحب القران كمثل صاحب الابل المعلقة ان عاهد
عليها امسكها وان اطلقها ذهب فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
من قرا القران ثم نسيه لقي الله يوم القيمة اجذم نسال الله السلامة والعافية
بمنه وكرمه عن ابن مسعود عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم انه قال من خشي
ان ينسى القران فليقل اللهم نور بالكتاب بصري واطلق به لساني وافرج به
صدري واستعمل به جسدي بحولك وقوتك فانه لا حول ولا قوة الا بك
وفي الترمذي وغيره ان النبي صلى الله عليه وآله وسلم شكى اليه رجل
نسيان القران فقال علمني شيئا يجزيني فقال قل لسبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فعدهن

في يده ثم ضم اصابعه خمسا فقال يا رسول الله هذا الربي فما لي فقال قل
اللهم اغفر لي وارحمني وعافني وارزقني واهدني فعد خمس في يده خمسا
وضم اصابعه الاخرى فقال عليه الصلوة والسلام اما هذا فقد ملا يديه خيرا
وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم من قال
بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم صرف الله عنه
سبعين بابا من البلاء اولها الهم والغم واللمم قال ابن عباس قال قال
رسول الله صلى الله عليه واله وسلم لا تمدوا الباء الى الميم حتى ترفعوا السين
وروي عن عمر بن العزيز انه ضرب كاتبه لانه كتب الميم قبل السين
فقيل له فيم ضربك امير المؤمنين قال في السين وروي ان النبي صلى الله
عليه واله وسلم قرا بسم الله الرحمن الرحيم فرددها عشرين مرة وانما رددها
عليه الصلوة والسلام لتدبره في معانيها وروي عليه الصلوة والسلام
انه قال من كتب بسم الله الرحمن الرحيم فجودها تعظيما لله تعالى غفر له ويستحب
التسمية في جميع الاعمال والقول اللهم بارك لنا فيما رزقتنا وقنا عذاب
النار واذا ذكر الله العبد عند دخول بيته وعند طعام قال الشيطان لا عوانه
لا مبيت لكم ولا عشاء واذا دخل ولم يذكر الله عند دخوله قال الشيطان
ادركتم المبيت والعشاء قال بعض العارفين اعلم ان بسم الله الرحمن الرحيم تسعة عشر

حرفا وخزنة جهنم تسعة عشر فيدفع الله عن المؤمنين بكل حرف من هذه التسعة عشر
واحدا من الزبانية التسعة عشر اعلم ان بسم الله الرحمن الرحيم اربع كلمات
والذنوب اربعة انواع ذنوب الليل وذنوب النهار وذنوب السر
وذنوب العلانية فمن قالها على الايمان والاخلاص والصفاء غفر الله تعالى
له الانواع الاربعة من الذنوب وقيل الباء بهاء الله والسين سناء الله
والميم ملك الله وقيل مجد الله وقيل من اشرف الحروف مجموع ما تقدم رسمه
من الحروف التي هي الالف واللام والباء والسين والميم والهاء والحاء
والنون والياء فتلك حروف بسم الله الرحمن الرحيم اذ هي اشرف واقوى على
واتم العوالم وعظيم الاسماء ومنها انبعاثات القدرة من الباء مع الميم وجد
الملك الشهادي ومن الباء مع السين تكون عوالم الملكوت العلوي ومن الباء
مع الالف تكونت الاسماء ومن اللام مع الهاء ترتيب الاطوار ومع
الراء من الحاء الرحمة ومن النون مع الياء ظهرت حكم القبضتين انتهى كلام
حجة الاسلام في ذلك واما انتهاك علامات انا لطيفة قال بعض العارفين
المحققين المطلعين اعلم اني استدل ان في بسم الله الرحمن الرحيم اسم الله الاعظم
والنور الاقوم لان ها بسم الله ذا الضيف لدى الربوبية كانت على قسمين
قسم يبرز منه العلو وذلك الامرين احدهما ان التعظيم مورد الالوهية المثبوت في الام
وهي الحم

وهو اسمه المبسوط في الاكوان لكونه لم يات فسبح باسم ربك العظيم
الا بعد وصف المقربين ووصف اصحاب اليمين ووصف
المكذبين وبعد حق اليقين فمن علم سر المقربين وسر اصحاب اليمين وسر مستقر
المكذبين الضالين وهذا الحق لليقين شاهد عظمة الله تعالى في العالم اجمع و
شاهد اسم الله العظيم والثاني بعد ذلك اعني ثاني الاعتبار لان
هذا الشكل هبوطي من علو الى سفل لكل ذي قلب سليم من دنس
المطبوع الترابي والكثف الحجابي لان الاشكال قسمان شكل
هبوطي وشكل عروجي فهذا المتقدم شكل هبوطي لشهود الاسم
الاعظم في الدايرة الحسية الحقيقية التركيبية واما الشكل الثاني فهو
العروجي الطلوعي وهو اضافة الاسم في الربوبية بعد تجلي ثلث مراتب
سفليات كما حققت في الاوليات وثلث مراتب علويات
فالمراتب العلويات الثلث اوضاع شهودك في الالواح القدسيات
المقربين ثم اصحاب اليمين للاشراف على المكذبين الضالين و
الثلث السفليات الذي خلق فسوى والذي قدر فهدى والذي
اخرج المرعى فتلك باطن لفظه في عالم الايجاد الاختراعي
وهذا باطن في الايجاد الابداعي فاسم الربوبية تظهر بحقايق الوجود

واسم الالوهية قاهر بحقائق الوجود فلا يبقى ابدا المتوهم بصره المتبصر واذا

اضيف الاسم الذي هو اسم الرحمن الى الله يورث الرحمانية فالعظمة

صفة الربوبية وكذلك العلاء صفة الربوبية والرحمانية صفة الالوهية

الا ان الربوبية ظاهر والالوهية باطن وذلك نسبة كنسبة فسبح باسم

ربك نسبة ونسبة اسم كنسبة اسم الجلالة ونسبة لربك كنسبة الرحمن و

نسبة العظيم كنسبة الرحيم ونسبة سبح كنسبة بسم ونسبة اسم كنسبة الله

ونسبة ربك كنسبة الرحمن ونسبة الاعلى كنسبة الرحيم ونسبة اقرا كنسبة

بسم ونسبة ربك ونسبة ربك كنسبة الرحمن ونسبة الذي خلق لنسبة الرحيم

الا ان هذه النسبة عروجا من سفل الى علو وتلك هبوطا من علو الى سفل

ومقاليد السفليات بعد العلويات فسبح باسم ربك غيبة وسبح

اسم ربك الاعلى غيبة اخرى واقرا باسم ربك غيبة ثالثة وبسم الله

الرحمن الرحيم غيبة وحضور والرحمن الرحيم غيبة وكذلك جميع كتاب الله

العزيز واعلم ان بسم الله الرحمن الرحيم محتوية على ثلث عوالم عالم الملك

الاول ثم عالم الخلق ثم عالم الامر وذلك قوله الا له الخلق والامر واعلم

ان بسم الله الرحمن الرحيم لتوصل الخبر من جميع العوالم سر المبتدا والمنتهى

وفيها مراتب التوحيد لان بسم الله قبال شهد الله والملائكة فبازاء الرحمن

واول الق

واولو العلم فبانه الرحيم فاول دائره بسم الله الرحمن الرحيم كآخرها
وظاهرها كباطنها وبها اقام الله تعالى شجرة الاكوان واظهر لها اسرار
المكنونات فتامله بالفكر حتى واياك يعقل وفي وكذلك من اكثر
ذكر بسم الله الرحمن الرحيم رزق الهيبة عند العالم العلوي والسفلي
ومن علم ما اودع فيها من الاسرار وكتبها على شي لم يحرق بالنار
وفيها اسم الله الاعظم قال عبد الله بن عمر الخطاب من
كانت له حاجة فليصم الاربعاء والخميس والجمعة فاذا كان يوم الجمعة
تطهر وراح الى الجمعة فتصدق صدقة قلت او كثرت ما من الرغيف
الى ما فوق ذلك او باكثر فهو افضل فاذا صلى الجمعة قال اللهم
اني اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم الذي لا اله الا هو عالم الغيب
والشهادة هو الرحمن الرحيم الذي لا اله الا هو الحي القيوم الذي
لا تاخذه سنة ولا نوم الذي ملات عظمته السموات والارض و
اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم الذي لا اله الا هو الذي
عنت له الوجوه وخضعت له الرقاب وخشعت له الابصار وو
وجلت منه القلوب وذرفت منه العيون ان تصلي على سيدنا
محمد وآل محمد وان تعطيني حاجتي وهي كذا وكذا وكان يقول

لا تعلموها سفهاءكم فيدعوا بعضهم على البعض فيستجاب لهم ويوزعنا
في بسط ما احتوت عليه البسملة من العجائب واللطائف والعوالم الفائق
علينا ذلك وقد استوعبنا ذلك في غير هذا الموضع وانما نبهنا
في هذا الكتاب بالرمز والتلويح الى الاسم الاعظم اذ لا يمكن المطوية
ظاهر التصريح اذ لم تكن تلك من افعال السلف الصالحين وكذلك
السر النبوي والاسرار القدرية الالهية اذ لا يمكن ان يبرز لعالم العبارة
للطافتها وكثافة العالم الا ترى الى كتاب الله العزيز انما القصد الى التدبر
والتفكر والغوص على درره في بحره وهذه سنة الله تعالى في مخلوقاته ظاهره
في بطونه وباطنه في ظهوره الا ترى الى قوله تعالى وكاين من آية
في السموات والارض يمرون عليها وهم عنها معرضون ولم يرد بذلك
ظواهر الآيات اذ هي بارزة للعيون المحسوسات وكذا اما
منظر اليها بها رأي العين وهي بعين البصيرة بخلاف ذلك قال الله تعالى
وتحسبهم ايقاظا وهم رقود ولا يصح النظر الصائب الا بعين البصيرة
المستنيرة بانوار الايمان فتدبر ذلك تجده ان شاء الله تعالى قال
الحافظ ابو حاتم الرازي دخلت مسجد ابي اليمان الحكم بن نافع
الصفائي صاحب البخاري فاخذتني الحمى فخرج ابو اليمان المذكور من منزله
دخل

وحل المنزل الذي كنت فيه فقال عني فقيل له اخذته الحمى
فجاءني فقال ما قصتك قلت حممت بالابال البمال فقال لي
انت عن طلسم الحمى فقلت له وما هو فاني لا اعرفه فكتب لي
في ورقة هذه الصوره فجعلتها تحت راسي فلما قام اخذتها
فنظرت اليها فاذا فيها هذا المكتوب قال ابو حاتم الرازي
فما كان باسرع من ذهابها عني ثم جاءني فقال كيف حالك
فقلت في عافية فقال لي احفظها وعلمها الناس فانها نافعة
ان شاء الله تعالى

لاحول

بسم الله الرحمن الرحيم مما نقلت عن خط بعض
العارفين عن الامام جعفر
الصادق عليه السلام قال
من كانت له حاجة مهمة
فليكتب رقعة فيها بسم الله
الرحمن الرحيم من عبده الذليل
الى ربه الجليل رب اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين ثم يرمي
الرقعة في ماء جار ويقول اللهم بمحمد وآله الطيبين الطاهرين وصحبه المرضيين

لقضاء الحوائج

اوقضى حاجتي يا اكرم الاكرمين ويذكر حاجته فانها تقضى ان شاء الله تعالى
وحكى لي بعض اخواني الصلحاء العلماء انه من قرا بسم الله الرحمن الرحيم
اثني عشر الف مرة اخر كل الف مرة يصلي ركعتين ثم يسال الله تعالى
اي حاجة شاء ثم يعود الى القراءة فاذا بلغ الالف فعل مثل ذلك
من الصلوة والدعاء الى انقضاء العدد المذكور فانه حاجته تقضى ان شاء الله
تعالى ونقل الامام العارف ابو يعقوب يوسف ابن ذي الوكاب
عن ابراهيم بن هلال الذكالي مات بذكالة سنة خمسة عشر وستمائة
وكان مستجاب الدعوة دعى على عيسى بن داود الفقيه وقد انكر عليه
كرامات الاولياء ان يختل عليه عقله الذي يودي به الى الانكار
للكرامات فجن عيسى بن داود الفقيه واختل الى ان مات وحكى انه
الناس انه مرة اخرى جو الى محل فحج خلق كثير الى المحل وقرا
بسم الله الرحمن الرحيم الف مرة وحمد الله تعالى الف مرة وقال لا اله
الا الله محمد رسول الله الف مرة وصلى على النبي صلى الله عليه وآله وسلم
الف مرة ثم دعا على المحل الف دعوة ثم قال العنوا من يا بنيكم
بخبره قال قد اجاب الله دعاءكم فذهب اليه جماعة فوجدوه قد
انكب واختل نظامه ولم يزل كذلك الى ان مات نقل ذلك كله الشيخ

١٢٠٠

ابو محمد عبد المهيمن الحضرمي سورة الفاتحة وهي السبع المثاني والقران
العظيم والاجماع انها مكية وسميت الفاتحة لافتتاح القران بها والصلوة
والمنجية لقوله صلى الله عليه واله وسلم هي لما قرئت له والوافية
بالقاف لانها سبع ايات ولا منتصف والواقية بالقاف وام
القران والسبع المثاني لانها تثنى بالركعة بعد الركعة وقيل لانها نزلت
مرتين مرة بمكة ومرة بالمدينة فتثنت اولكونها استثنيت لهذه الامة
فلم تنزل على احد قبلها ذخرا لها وقيل لان نصفها دعاء ونصفها ثناء
وقال النبي صلى الله عليه واله وسلم لابي بن كعب اتحب ان اعلمك
سورة لم تنزل لا في التورية ولا في الانجيل ولا في الزبور مثلها وانها سبع
ايات من المثاني والقران العظيم الذي اعطيته رواه ابو داود و
قال حديث حسن صحيح وقال عليه الصلوة والسلام من صلى صلوة
لم يقرء فيها ام القران فهي خداج وقال عليه الصلوة والسلام من
قرا فاتحة الكتاب فانما قرا التورية والزبور والفرقان وقال عليه
الصلوة والسلام فاتحة الكتاب شفاء من كل سقم وقال عليه الصلوة والسلام
ان القوم ليبعث الله عليهم العذاب حتما مقضيا فيقرا صبي من صبيانهم
من كتاب الله الحمد لله رب العالمين فيرفع الله عنهم العذاب بذلك اربعين سنة

وقال عليه الصلوة والسلام اوحى الله الي فيما من به علي اني اعطيتك
فاتحة الكتاب كنز من كنوز عرشي ثم قسمتها بيني وبينك نصفين وقال عليه الصلوة
والسلام والتحية والاكرام فاتحة الكتاب فيها شفاء من كل داء و
قال عليه الصلوة والسلام ام القران تجزي عن غيرها ولا تجزي عنها
غيرها ويقال سعيد بن جبير قال ابن عباس بسم الله الرحمن الرحيم اية
من القران وعن معاوية بن صالح عن ابي قروة قال نخر ابليس
ثلث نخرات لما اخرج من الجنة واهبط الى الارض بعث الله اليه
ملكا فرغ عنه الباسه فنخر عند ذلك نخرة ونخر ثانية حين بعث الله
محمدا صلى الله عليه واله وسلم ونخر نخرة ثالثة حين انزل ام القران وعن
ابن عباس قال بينما جبرئيل عليه السلام قاعد عند النبي صلى الله عليه واله
وسلم سمع صوتا نقيضا فرفع جبرئيل بصره فقال هذا باب من السماء
فتح اليوم ولم يفتح قط الا اليوم فنزل منه الملك فقال هذا ملك نزل الى
الارض ولم ينزل قط الا اليوم فسلم وقال ابشر بنورين
اوتيتهما ولم يؤتهما نبي قبلك فاتحة الكتاب وخواتيم سورة البقرة
لم تقرا بحرف منهما الا اعطيته رواه مسلم والنسائي وقال
علي ابن ابي طالب عليه السلام لو شئت لاوقرت سبعين بعيرا من تفسير الفاتحة

وقال ايضا ام القرآن هي رأس القرآن وعماده وذروة سنامه وفيها
خمسة اسماء وهي الاسماء العظيمة القدر الرفيعة الاصل ومن شرف
هذه الاسماء وعظم قدرها ان جعلها الله تعالى في ام الكتاب وجعلها
مفتاحا لها وجعل الصلوة لا تقوم ولا تتم الا بها وانما شرف ام القرآن
على غيرها من السور بهذه الاسماء الخمسة واعلم ان فيها اسم الله الاعظم
الكبير الاكبر الذي اذا دعا به اجاب واذا سئل به اعطى
وقال اهل العلم وهذه الاسماء بالعدد تعالى في اول اللوح المحفوظ
كما هي في اول القرآن وهي مكتوبة في سرادقات العرش والكرسي ثم
انا ان نظرنا في الاسماء الخمسة وتدبرناها وجدنا الله سبحانه وتعالى رتب
عليها الصلوات الخمس وبنى الاسلام على خمس وجعل في الغنائم الخمس
وفي الركاز الخمس ورتب زكوة الابل عليها ففرض في خمس ذود من الابل
شاة وجعل الشهادات في اللعان خمسا وجعل الايمان في القسامة
خمسين يمينا واوجب الحد في خمسة اشياء وجعل اصابع اليدين والرجلين
خمسة خمسة ووجدنا عدد الانبياء الذين ذكرهم الله تعالى في كتابه خمسة وعشرين
كلمة مرتبة نبيا ووجدنا ام الكتاب التي هي رأس القرآن وعماده وذروة
سنامه هي خمسة وعشرين كلمة مرتبة على خمسة خمسة ووجدنا سورة الاخلاص هي خمسة عشر

كلمة مرتبة على اسماء الله تعالى الحسنى وعن عائشة قالت قال رسول الله
صلى الله عليه واله وسلم من قال الحمد لله رب العالمين اربع مرات
ثم قالها الخامسة نادى ملك من حيث يسمع صوته ان الله قد اقبل
عليك فسل ما شئت وقال عليه الصلوة والسلام من اتى منزله
فقرأ سورة الحمد والاخلاص نفى الله عنه الفقر وكثر خير بيته وعن
علي بن ابي طالب عليه السلام قال ان فاتحة الكتاب واية الكرسي
وايتين من ال عمران اية شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام
وقل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك
ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على
كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي
من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب
معلقات ما بينها وبين الله حجاب قلن اتهبطنا الى الارض
والى من يعصيك فقال الله تعالى حلفت لا يقرأكن احد من عبادي
في دبر كل صلوة الا جعلت الجنة مثواه على ما كان منه والا اسكنته
حضيرة القدس والا نظرت اليه كل يوم سبعين مرة والا قضيت له كل

يوم

يوم سبعين حاجة ادناها المغفرة والاعاذة من كل عدو والانصرة عليه
وقال عليه الصلوة والسلام اذا وضعت جنبيك على الفراش
وقرات فاتحة الكتاب وقل هو الله احد امنت من كل شي الا الموت
وقال عليه الصلوة والسلام من قرا عند مضجعه ام القران وآية الكرسي
وان ربكم الله الى قوله واخر الحشر وسورة الاخلاص والمعوذتين
وكل الله تعالى به ملكين يحفظانه حتى يصبح فان مات غفر له وقال
عليه الصلوة والسلام من اخذ من ماء المطر وقرا عليه فاتحة الكتاب
سبعين مرة واية الكرسي سبعين مرة والمعوذتين سبعين مرة والذي نفسي بيده
ان جبرئيل عليه السلام جاءني واخبرني ان من شرب ذلك الماء سبعة ايام
متوالية بالغداة فان الله سبحانه وتعالى يرفع عن الذي شرب من هذا
الماء كل داء في جسده ويعافيه منه ويخرجه من عروقه ولحمه وعظمه و
جميع اعضائه وينبغي ان يقرا فاتحة الكتاب عند الحمى سبع مرات
فانه من العجايب وعن اسماء بنت ابي بكر قالت من قرا يوم الجمعة
بعدما سلم الامام ام القران وقل هو الله احد والمعوذتين سبعا سبعا
حفظ الله له دينه ودنياه واهله وولده الى الجمعة الاخرى وقال
الامام جعفر الصادق عليه السلام من قرا الفاتحة اربعين مرة على قدح ماء

ورش به وجه المحموم نفعه باذن الله تعالى وقال عليه الصلوة والسلام
من اراد ان يستشفي من ضعف في البصر او رمد اصابه فليتامل الهلال
اول ليلة فان اخفي عليه تامله الليلة الثانية فان اخفي عليه تامله
الليلة الثالثة فاذا اراه مسح بيمينه على عينيه عند روية الهلال ويقراء
ام القران عشر مرات يبسمل في اول السورة ويومن في اخرها ثم يقراء
قل هو الله احد ثلث مرات وليقل شفاء من كل داء برحمتك يا
ارحم الراحمين سبع مرات وليقل يارب خمس مرات قو بصري اللهم
ارزقني انت الشافي اللهم اكف انت الكافي اللهم عاف انت المعافي
سر المرض مالم يحضر اجله وفيما قدر عليه وفي سورة الفاتحة حروف
المعجم بكمالها سبعة احرف وهي ث ج خ ز ش ف ظ ومجموعها
في قوله تعالى او من كان ميتا فاحييناه وجعلنا له نورا يمشي به في
الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها كذلك زين للكافرين
ما كانوا يعملون

سورة البقرة

مدنية وتسمى بالفسطاط لاجتماع
كثير من الايات والعجائب والاحكام والقصص فيها لان الفسطاط
مجمع لاهل البلدة حول جامعها وكل مدينة جامعة فهي فسطاط ومنه قيل
لمصر فسطاط والفسطاط بيت من شعر وتسمى سنام القران لقوله عليه الصلوة
والسلام

والسلام لكل شيء سنام وسنام القران سورة البقرة فيها خمسمائة حكم و
خمسة عشر مثلا وعن ابي هريرة ان رسول الله صلى الله عليه واله وسلم
قال لا تجعلوا بيوتكم مقابر وان البيت الذي تقرأ فيه البقرة لا يدخله
الشيطان وعن ابن مسعود ان رجلا من اصحاب رسول الله صلى الله
عليه واله وسلم لقي شيطانا فصرعه فقال له الشيطان دعني واعلمك
شيئا لا تقرأ في بيت فيه شيطان الا خرج منه فتركه فابى ان يعلمه
فاخذه فصرعه الثا فقال ان تركتني في هذه المرة علمتك فتركه فابى
ان يعلمه فاخذه ثالثا فصرعه وعض اصبعه وقال والله لا ادعك ابدا
حتى تعلمني فقال سورة البقرة والله ما قرئ شيء منها في بيت فيه شيطان
الا خرج وله اجيج كاجيج الحمار وقيل لابن مسعود من الرجل
قال عمر بن الخطاب فقيل وما اجيج الحمار قال ضراط كضراط الحمار
وقال عليه الصلوة والسلام لابي بن كعب اي اية معك في
كتاب الله اعظم فقال الله لا اله الا هو الحي القيوم فضرب في
صدري وقال ليهنك العلم يا ابا المنذر وقال عليه الصلوة
والسلام لبعض اصحابه اذا اويت الى فراشك فاقرا اية الكرسي
فانه لم يزل معك من الله حافظ ولا يقربك شيطان حتى تصبح رواه

البخاري وعن انس بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه
وآله وسلم من قرأ اية الكرسي وثلث ايات من الاعراف ان ربكم
الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش
يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره
الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا
وخفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها
وادعوه خوفا وطمعا ان رحمة الله قريب من المحسنين والصافات
صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا ان الهكم لواحد رب
السموات والارض وما بينهما ورب المشارق انا زينا السماء
الدنيا بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون
الى الملا الاعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب
واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب ومن
سورة الرحمن سنفرغ لكم ايها الثقلان فباي آلاء ربكما تكذبان
يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات
والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فباي آلاء ربكما
تكذبان يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران عصمه تو ...
من كل

من كل شيطان مارد ومن كل ساحر سحر ومن كل سلطان ظلوم ومن كل
لص ومن كل سبع ضار ومن قراهن في الليل فله مثل ذلك خرجه ابو جعفر
النحاس في كتابه في اشتقاق الاسماء الله تعالى وقال عليه الصلوة
والسلام من قرا الايتين من اخر سورة البقرة في كل ليلة كفتاه وقال
وفي رواية اخرى اجزاتا عنه قيام تلك الليلة قاله البخاري ومسلم واختلف
العلماء في معنى كفتاه فقيل كفتاه من قيام تلك الليلة وقال النوري و
بجوزان يراد الامران واعلم ان الامام حجة الاسلام اباحامد
الغزالي قال اعطى رسول الله صلى الله عليه واله وسلم ثلثا لم يعطهن احد
ممن كان قبله فرض الله عليه الصلوة وغفر لامته المقحمات مالم يشركوا
بالله شيئا واعطى خواتيم سورة البقرة وقال عليه الصلوة والسلام
ان الله سبحانه ختم سورة البقرة ايتين اعطانيهما من كنزه الذي تحت
العرش فتعلموها وعلموها نساءكم وابناءكم فانها صلوة ودعاء و
قران فصل اختلف العلماء في الحروف المعجمة المفتتح بها السورة
على قولين احدهما انها من المتشابهات التي استاثر الله بعلمها
فنحن نؤمن بتنزيلها ونكل الامر الى الله تعالى من تاويلها وقال
ابو بكر الصديق لله عز وجل في كل كتاب سر وسر الله عز وجل في

القران اوائل السور خ قال علي عليه السلام ان لكل كتاب صفوة وصفوة
هذا الكتاب حروف التهجي وقال الحسن ان هذه الحروف المقطعة
في اوائل السور اسماء الله تعالى لو احسن الناس تاليفها لعلموا اسم الله الاعظم
الا ترى انك تقول الر وتقول حم وتقول ن فيكون الرحمن
وكذلك سائرها على هذا القول الا انا لا نقدر على وصلها والجمع
بينها سئل ابن عباس عن الر وحم ون فقال اسم الرحمن على التهجي
قال السدي والكلبي وقتادة هي اسماء القران وقيل انها حروف
اقسم الله تعالى بها قال عكرمة وابن عباس ان كل حرف منها دل على
اسم من اسماء الله تعالى وصفة من صفات الله فالالف اشارة الى انه
اول واخر ازلي ابدي واللام اشارة الى انه لطيف والميم اشارة
الى انه ملك مجيد منان محسن وقال في كهيعص الكاف اشارة
الى انه ثناء من الله تعالى على نفسه وانه الكافي الكريم الكبير والهاء على انه هادي
والياء على انه يحيي والعين على انه عالم عزيز عدل والصاد على انه صادق و في
نسخة وقال في كهيعص انه ثناء من الله تعالى على نفسه فالكاف تدل
على كونه كافيا والهاء على انه هادي والعين على انه عليم والصاد على انه الصادق
وقال الطبري عن ابن عباس انه حمل الكاف على الكبير والكريم والياء على انه يحيي
والعين

والعين على انه العزيز والعدل والفرق بين الوجهين انه في الاول خصص
كل واحد من هذه الحروف باسم معين ولنس كذلك وقال
مقاتل وقيل ان بعض هذه الحروف تدل على اسماء الذات و
بعضها تدل على اسماء الصفات قال ابن عباس في الم
انا الله اعلم وفي المص انا الله افصل وفي المر انا الله
ارى وقيل وكل واحد يدل على صفات الافعال فالالف
آلاؤه واللام لطفه والميم مجده والطاء على انه طيب وذو الطول
والسين على انه سلام والراء على انه رب رحيم والحاء على انه حي
حليم حي حكيم والنون على انه نور مبين نافع والقاف على انه قيوم قادر
قوي وقال مقاتل ان بعض هذه الحروف تدل على اسماء الذات
وبعضها على اسماء الصفات الم انا الله اعلم المص انا الله افصل المر انا
الله ارى وقيل الالف آلاؤه واللام لطفه والميم مجده مامنها حرف الا
في ذكر الائه ونعمائه وقيل ان بعضها تدل على اسم الله الاعظم وقال
حجة الاسلام ابو حامد الغزالي قد وردت هذه الحروف التي في اوايل السور
ومجموعها احد عشر حرفا اولها الم واخرها ن والقلم بعضها مكرر في اوايل السور
واختلف اهل العلم في معناها فقيل انها مشتقة من اسماء الله الحسنى كما

تقدم ان الكاف من كافي قال القاضي ابو بكر الباقلاني هذه الحروف
هي النصف من الثمانية والعشرين حرفا من حروف المعجم ذكرت في اوائل
السور جمل القصص والاحكام بعد ذكرها وذكر بعض ارباب الحقائق
كما نقله الواحدي ان هذه الحروف جعلها الله تعالى حفظا للقران من
الزيادة والنقصان وهو المشار بقوله انا نحن نزلنا القران الذكر و
انا له لحافظون وذكر جماعة من العلماء العارفين ان الحروف التي تلفظ
ثمانية وعشرون حرفا فانصفها حرف النور ونصفها حرف الظلمة وعدّ
حرف النور فقال هي الالف والحاء والصاد والسين والكاف
والعين والطاء والقاف والراء والهاء والنون والميم واللام والياء
وما عداها حروف الظلمة وقال بعض العارفين هي ثلثون كلمة وثمانية
وسبعون حرفا وهي الم الم المص الر الر الر المر الر الر كهيعص طه
طسم طس طسم حمعسق الم الم الم الم يس ص حم حم حم
فان قاد الطالب الى ترتيبها من حيث جمعها وجدتها احاد وثنائي
وثلاثيات ورباعيات وخماسيات وذلك جار على قاعدة العرب
في كلامها واسمائها قال الامام سهل بن عبد الله التستري في
كلامه على الحروف في فصل شرف الحروف كلها الحروف التسعة ومن نورها
الكرسي

الكتب الحروف جمالا وبهاء وهي هذه المص وح قال نون فاللام
الظاهرة دالة عليها وعلى ما فيها والى السبع السموات والكرسي والعرش وهي
السبع المحسنات وهي الحروف التي كنى الله تعالى عنها في القران وهي قوله
الم المص حم هو الله وهي حروف القلم واللوح والحروف الاربعة عشر النورانية
هي ا ل م ص ر ك هـ ي ع ط س ح ق ن وهي الحروف التي اقسم
الله تعالى بها كما كانت منازل القمر اربعة عشر منزلة ظاهرة واربعة عشر باطنة
كانت الحروف ايضا كذلك فيها غيب وهي التي في اوائل السور
منها ظاهر وهي باقي الحروف واذا تالفت جاء منها تسع وعشرون
صورة عدد ايام الشهر الا ترى ان كمال القمر في الاربعة عشر منها وكمال
منازل القمر في قبول النور تنزل اربعة عشر منزلة حتى يكمل في اضاءة
الشمس كذلك الكمال ينقص والانارة حتى يصير عقلة وانما يحصل
لها ذلك بمعرفة هذه الاربعة عشر جملة التي ان زال الحروف اليها وجمعها
كلها هذه الثلثة الاحرف وهي الم ولذلك قال الله تعالى ذلك الكتاب
لا ريب فيه وقال المر تلك ايات الكتاب فافهم وفكر ان في ذلك
لعبرة واية فيما يخص الحروف الاربعة عشر النورانية وما يخص بواقي الحروف
كلها من الاسماء الحسنى فيدعوا الداعي بها ويتصرف في خصائصها حرف الالف

له من الاسماء الحسنى ما يفتح به وهو الله احد اول الباء بارى باسط بديع بر
باقى باطن الجيم جبار جميل جليل جواد جامع الدال دايم ديان الهاء
هو هادى الواو وارث وهاب واسع وكيل ودود وتر واحد
ولى والى الزاء زارع زامل الحاء حى حكيم حميد حليم حق حكم حفيظ
حسيب الطاء طاهر طالب طائى الياء الاسم الاعظم الذى هو
بالعبرانية يوه ولا يعلم بنو اسرائيل تاويله الا الان الكاف كريم
كفيل كبير كافى اللام لطيف الميم موخر معز مذل مقيت مجيب متين
مبدى محصى معيد محيى مميت متعال منتقم مالك الملك مقسط
مغنى معطى مانع مبلى منزل مهلك ملك مومن مهيمن متكبر
مصور ماجد مقتدر مقدم منشى النون نور نافع نصير السين سلام
سميع سبوح العين عزيز عليم على عظيم عدل عفو الفاء فرد فتاح
فعال الصاد صبور صمد صادق القاف قيوم قاهر قهار قادر
قوى قدوس قايم على كل نفس بما كسبت مقتدر قابض قريب قديم الراء
رحمن رحيم رب روف راجح رقيب رازق رشيد الشين شاهد شكور
شديد العقاب التاء تواب الثاء ثابت الوجود الخاء خالق خبير خافض
الذال ذو الجلال والاكرام الظاء ظاهر الضاد ضار الغين غنى غفار غفور
غافر

عالب المختار من ذلك الدعاء باسماء الله الحسنى الدالة عليه بالحروف
النورانية الاربعة عشر التي بينها عليها جماعة من السادة الصحابة
مثل علي بن ابي طالب عليه السلام وعبد الله بن عباس وعبد الله بن
سلام وغيرهم وهي هذه الاسماء فانها هي الاسم الاعظم يا الله يا احد
يا اول يا اخر اللام يا لطيف الميم يا مالك يوم الدين يا مالك
الملك يا ملك يا مجيب الصاد يا صمد الراء يا رب الارباب
يا رحمن يا رحيم الكاف يا كريم الهاء يا هادي انت هو
لا اله الا انت الياء يا ولي يا وهاب انت الهيا العين يا علي يا
عظيم يا عزيز الطاء يا طالب يا طاهر السين يا سميع
يا سبوح الحاء يا حي القاف يا قيوم النون يا نور السموات
والارض ونور الانوار كلها ومنورها يا نافع اسالك الهدى والتقى
والعفاف والغنى واسالك اليقين والعافية واسالك
رزقا دارا وغنيا قارا وعملا بارا ولحاقا بعبادك الصالحين
واسالك ان تصلي على سيدنا محمد نبيك ورسولك وعلى سيدنا ابراهيم
خليلك فان تسلم عليهما وعلى آلهما وعلى الانبياء والمرسلين والصديقين
والشهداء والصالحين وان تعطيني سؤلي من خير الدنيا والاخرة وان

هادي

تصلح لي شاني كله في الدنيا والآخرة حتى القاك وانت عني راض وجميع المسلمين والمؤمنين والحمد لله رب العالمين فصل في كيفية علاج الدعا بالاسماء الحسنى خصوصا وكيف تتخذ رقى ودعوات وتمايم وغير ذلك مما يجوز فعله شرعا ولا باس بشي منه في العقل ولا في الشرع اعلم ان المعالجات الحسية من الطبيب الجسماني من معرفة الادوية المفردة والمركبة والخالصة والمشتركة ومعرفة الامراض وانواعها ومعالجة كل شي وضده وقدره حتى لا يفرط الدواء ويتجاوز الحد ولا يقصر عن بلوغ الغاية فاذا علمت ذلك فاعلم ان الادوية الروحانية و النفسانية كذلك يكون علاج الاجسام من الطبيب الروحاني والنفساني او لانه يعالجه بضده من قول وفعل مثال ذلك ان الحي الف يدعوا ويكثر من الدعا بنحو بحر في الحار والمبهم فان الحي باردة ورطبة والمبهم حارة يابسة ويخصهما من الاسماء الحسنى الحنان المنان الحليم المؤمن ويكون تكراره لذلك ثمانية واربعين مرة ويذكر بعد ذلك الاسم العظيم الاعظم الذاتي وهو قوله يا الله بالف الوصل وهاء الرفع ولام المدة ستة وستون مرة يسل الله تعالى امان خوفه وامنه مما يخاف ويحذر ثم يعود الى قوله يا حنان يا منان يا حليم يا مومن ثمانية واربعين مرة

الطا

ايضا وهذا العدد مخصوص بحرف الجار وحرف الميم كما ان تكرار الجلالة ستة وستون
مرة بعددها المخصوص بالالف واللامين والهاء فاعلم هذه اللطائف
والاسرار التي لا يتدبرها الا الاذهان وكذلك يدعو الجائع باسمه الصمد ويدعو التائه
باسمه الهادي والمرشد والرشيد ويدعو الفقير باسمه الغني والمغني والمنعم ذي الطول
ويدعو الضعيف باسمه القوي والمتين ويدعو الذليل باسمه العزيز والعظيم ويدعوا
الفاجر باسمه القهار والقدير ويدعو البليد باسمه المعلم والعليم والمحيط وفي مثل
ذلك فليدع كل ذي حاجة بما يناسب حاله وازالة بؤسه وقد يكفي هذا كلام الشيخ
الامام حجة الاسلام ابو حامد الغزالي وكان يقول عن بعض اهل التوفيق من العلماء الربانيين
ان عبد الرحمن بن عوف الزهري يكتب اربعة عشر حرفا من الاحرف النورانية على
ما يريد حفظه من الاموال والمتاع والزرع والذرر والضياع وكذلك عثمان
بن عفان والزبير بن العوام وكانوا اذا لقوا العدو قالوا اللهم احفظ امة محمد صلى الله
عليه وآله وسلم بالنصر والتأييد بالمص وكهيعص وحم عسق ولبق وآيات والقرآن
المجيد ون والقلم وما يسطرون فكان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم جعل
شعار المسلمين في بعض مغازيه وقال قولوا حم لا ينصرون فكان
بعض العارفين اذا ركب في الراحلة يقول الاربعة عشر حرفا التي في اوائل السور
فسئل عن ذلك فقال ما كتبت في موضع ولا تثبت في سرادق الا حفظ ما فيها و

المكان الذي كتب عليه وكفى السورة في نفسه وماله وآمن من التلف والغرق

قال حجة الاسلام عن بعض العارفين لما بعث الله تعالى سيدنا محمدا صلى الله عليه

وآله وسلم وانزل عليه حم عسق كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك الله العزيز

الحكيم علمت ان في ذلك سرا إلهيا فاتخذت ذلك عندي اتذكره

والمخاوف جنة فكفيت ووقيت ورزقت وقال ادركت بعض

العارفين في الموصل وكان معه الحروف التي في اوائل السور فسألته

عن ذلك فقال ظهر لي بركاتها فمن ذلك ان يحفظني الله بها ويدركني

ويرزقني وان وقع لي حاجة سألت الله تعالى بها فتقضى حاجتي ولم يقع

العدو والالص والجن والعقرب والسبع والحشرات فاذا ذكرتها في السفر

اعود الى اهلي سالما امنا قال الامام فعلمت ذلك للادب فيه

قال وحصل لبعض العارفين في جاريته صرع فقام اليها سيدها وكتب

اذنها وقال بسم الله الرحمن الرحيم المص طسم كهيعص يس والقرآن

الحكيم حم عسق ن والقلم وما يسطرون فبرئ عنها ولم يعد اليها

الصرع فكان بالبصرة رجل يرقي الضرس وكان يحبلا لا يعلم رقيته

لاحد فلما حضرته الوفاة قال لمن حضره قد كان لي دولة وقرطاسا

الكن لك ما كنت ارقي به الضرس لينتفع به الناس واحلص من قلد

لدفع الصرع

لدفع وجع الضرس

صحابه

صلى الله عليه وآله وسلم من كتم علما عنده الحديث فمن اصابه وجب البصر فليقرأ
بهذه الحروف لقوله المص طسم كهيعص حمعسق الله لا اله الا هو رب
العرش العظيم اسكن بكهيعص الى خلقه زكريا اسكن بالذي يسكن له ما في
السموات وما في الارض وهو السميع العليم قال الامام ابو حامد فهذه
جملة ذكر بيان الحروف التي في اوائل السور مختصرة ارجو بها المنفعة
ان شاء الله تعالى وكما قال عليه الصلوة والسلام نية المؤمن خير من عمله قال
شرف الدين البوني من كتب في رق غزال ليلة الرابع عشر ويكون ليلة
الجمعة من اي شهر كان بعد صلوة العشاء الآخرة كما هو ورد وعنوان اول السورة
الى قوله هم المفلحون والم الله الى قوله انزل الفرقان والمص الى قوله
وذكرى للمؤمنين والمر الى قوله ولكن اكثر الناس لا يؤمنون وكهيعص
الى قوله ذكريا وطه الى قوله لتشقى وطسم الى قوله المبين وطس تلك ايات القرآن وكتاب مبين وطسم الى قوله تلك
ايات الكتاب المبين ويس والقرآن الحكيم وص والقرآن ذي
الذكر بل الذين كفروا في عزة وشقاق وحم المؤمن الى قوله اليه المصير
وحم عسق الى قوله العزيز الحكيم وق والقرآن المجيد ون والقلم وما يسطرون
الى قوله عظيم وعدد السور اربع عشر سورة ثم يجعله في انبوبة قصب فارسي
ويسمع عليه بشمع بكر عاكم ويحرز عليه قطرا ادم فهي على ذلك [illegible] الادمي

عرس

شجع قلبه وقوي عظمه وهابه عدوه وكان مقبولا عند جميع الناس وان كان فقيرا
استغنى وان كان خائفا امن وان كان مسحورا او مسجونا او محبوسا يخلص وان كان
مديونا قضى الله دينه وان كان مهموما فرج الله همه وان كان مسافرا رجع
الى اهله سالما وان علق على امراة عازبة تزوجت ورغب فيها
الازواج وان علق على حانوت كثر زبونه وان علق على الاطفال
امنوا من جميع المخاوف وحامله لا يسال الله تعالى حاجة الا قضيت
قال الشيخ شرف الدين البوني من نقش الاحرف النورانية الاربعة
عشر في شكل مدور من فضة والطالع النور والقمر فيه وامسكه معه فانه
لا يخلو من فضة يملكها ومن نقشه في خاتم فضة لطالع النور والقمر قضيت
جميع حوائجه اذا لبسه بحول الله تعالى ومن نقش على فص خاتم فضة
يوم الخميس اول خميس في شهر رجب الم الم الر المص الر كهيعص
طه طس طسم يس ص حم عسق ق ن اذا لبسه خائف آمن
واذا دخل حامله على سلطان كبر في عينه وهابه وقضى حوائجه بقدرة
الله تعالى ومن مسح به راس غضبان ورضي ومن امتصه من عطشان
روي ومن جعله في ماء المطر ليلة ثم شربه على الريق قوي حفظه وان لبسه
معطل تصرف وان لبسه امراة عازبة خطبت وتزوجت وان وضع على

مصروع

مصروع افاق وان كتبت الاحرف المقطعة الاربعة عشر التي في اوائل السور
غير المكررة في يوم السبت المعروف بسبت النور ومحاها وشربها أمن من الرمد
في تلك السنة بنور الله وسره وذكرتها وهي الم المص المر كهيعص طه طسم
طس يس ص ق حم عسق ن وايضا من كان خائفا وقال كهيعص
حمعسق ولا حول ولا قوة الا بالله العلي امن مما يخافه ولقد جربت في ذلك
فصح مرارا عدة فصل في خواص الم ذلك الكتاب لا ريب فيه
هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون و
الذين يؤمنون بما انزل اليك وما انزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون
اولئك على هدى من ربهم واولئك هم المفلحون هذه الآية تزيد
في الحفظ وتقوي النفس وتثبت بها العلم في القلب وتعين على المعرفة
من كتبها يوم خميس اول النهار في اناء طاهر بمسك وزعفران ومحاه بماء
بئر عذب وشربه ويمسك عن الطعام ذلك اليوم ويشربه بالليل ويصوم
بالنهار ويفعل ذلك ثلثة ايام وخمسة ايام يحمد عاقبة ذلك في اثره
وينال ما ذكرت انا ووجدت ابيات مكتوبة بخط بعض العارفين
وهو ابو العباس المردي فيها ذكر الرزق فعددتها فوجدتها ثلثة وثلثين
آية ولا ادري هل تكتب او تحمل او تقرأ كل يوم مثل السهر فاثبتها هنا

ومن هذه في سورة البقرة ومما رزقناهم ينفقون ٢ كلما دخل عليها
زكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مريم انى لك هذا قالت هو
من عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب ٣ وارزقنا وانت خير
الرازقين ٤ قال أغير الله اتخذ وليا فاطر السموات والارض وهو
يطعم ولا يطعم ٥ واورثنا الذين كانوا يستضعفون مشارق الارض
ومغاربها التي باركنا فيها ٦ فآواكم وايدكم بنصره ورزقكم من الطيبات
لعلكم تشكرون ٧ ربنا ليقيموا الصلوة فاجعل افئدة من الناس
تهوي اليهم وارزقهم من الثمرات لعلهم يشكرون ٨ ولقد مكناكم
في الارض وجعلنا لكم فيها معايش قليلا ما تشكرون ٩ كلا نمد هؤلاء
وهؤلاء من عطاء ربك وما كان عطاء ربك محظورا ١٠ وان من شيء
الا عندنا خزائنه ١١ انا مكنا له في الارض واتيناه من كل شيء سببا ١٢
ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا ١٣ ورزق ربك خير وابقى ١٤ ولقد
كتبنا في الزبور ان الارض يرثها عبادي الصالحون ١٥ فخراج
ربك خير وهو خير الرازقين ١٦ ليجزيهم الله احسن ما عملوا ويزيدهم
من فضله والله يرزق من يشاء بغير حساب ١٧ قال اتمدونن
بمال فما آتاني الله خير مما آتاكم بل انتم بهديتكم تفرحون ١٨ امن هذا الذي

ثم يعيده ومن يرزقكم من السماء والارض ءاله مع الله ١٩ امن يجيب
المضطر اذا دعاه ويكشف السوء ويجعلكم خلفاء الارض ءاله مع الله ٢٠
ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة
ونجعلهم الوارثين ٢١ رب اني لما انزلت الي من خير فقير ٢٢
فابتغوا عند الله الرزق واعبدوه واشكروا له اليه ترجعون ٢٣
اولم نمكن لهم حرما امنا يجبى اليه ثمرات كل شيء رزقا من لدنا ٢٤
وكاين من دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها واياكم وهو السميع العليم
٢٥ الم تروا ان الله سخر لكم ما في السموات وما في الارض واسبغ
عليكم نعمه ظاهرة وباطنة ٢٦ قل من يرزقكم من السموات والارض
قل الله ٢٧ كلوا من رزق ربكم واشكروا له بلدة طيبة ورب غفور
٢٨ وما انفقتم من شيء فهو يخلفه وهو خير الرازقين ٢٩ ما يفتح الله
للناس من رحمة فلا ممسك لها ٣٠ وما كان الله ليعجزه من شيء
في السموات ولا في الارض انه كان عليما قديرا ٣١ ان هذا لرزقنا ما له من
نفاد ٣٢ هذا عطاؤنا فامنن او امسك بغير حساب ٣٣ ما عندكم ينفد
وما عند الله باق ٣٤ ما وجدته وتذكرت تلك ايات من طافه و
اني وجدتها ما عندكم ينفد وما عند الله باق انته الذي خلقكم ثم رزقكم

ثم يمسكم ثم يحببكم الا أنت ومن يتق الله يجعل له مخرجا
ويرزقه من حيث لا يحتسب **فصل** اعلم ان اسمه الكريم الوهاب
ذا الطول لا يستدم على ذكر هذه الاسماء من قدر عليه رزقه ومنه
حاجة الا يسر الله تعالى عليه رزقه من حيث لا يحتسب ولقد امرت
بذلك احاد افقطر لهم من بركة ذلك العجب العجاب ومن نقص هذه
الاسماء وعلقها عليه لم يدر كيف يسير الله عليه المطالب من غير
عسر ومن اسرف الدعاء بها ان اخذ حروف الاسماء التي نذكرها مثل
ولك الكريم الوهاب ذا الطول ولا ياخذ الالف واللام بل ياخذ
كريم وهاب ذا طول فتنظر كم لمعاني الاعداد بالجمل الكبير فيذكر الاسماء
ذلك العدد في موضع خالي على طهارة وحضور نية وقلب خاشع ولا يزيد
على العدد ولا ينقص فانه يستجاب لك الوقت ان الله تعالى فان
الزيادة على العدد المذكور اسراف والنقص منه اضلال وجملة عدد كريم
وهاب ذو طول بالجمل غير اسقاط المكرر الف وستة وستون وان
اسقطت الواو والواحدة في الف وستون وان اسقطت الواو
الواحدة ففي الف وستون حلا واعلم ان اسمه تعالى الباسط اذا ذكر
او حمل انزل سعة الرزق وتفريج الكرب النفس واذا داوم على ذكره
ذا

واكرار ربع ساعات من اربعة ايام او اثنين وستون مرة في كل يوم
الى تمام اثنين وسبعين يوما ثبته الله تعالى على طاعته وخفف عليه كل
ثقل ولطف به فيما قدر عليه ورزقه من حيث لا يحتسب والطاء
اذا انقشت في لوح من ذهب والشمس في سعدها متصل او طالب
وحمته او حمله الى من معه قهر الله تعالى بها قلوب الجبارين من
الجن والانس وحبب اليه الجمال الابر كلها ومن علقه عليه ازال ما
فيكون من الم الراس ومن ضرب الماء الذي يقع فيه يرى بركته في ذاته
ومال ويحب الخبز وينشرح باطنه وينفع وينبغي ان ينقش في الطالع
من النهار اوان من غزا او لس في العرس والعرس وجامعه بامن
ضرر الهوام ومن حمله على غير طهارة او زيد الحمى الدقيقة ومن كتب في رق طاهر
وجعله في موضع معيشته يسر الله عليه الاسباب وان وضعه تحت راسه
عند النوم امن الاحتلام الرديه ورأى المنامات الصالحة وربما رأى
النبي صلى الله عليه واله وسلم في منامه ومن نقش في صحيفة قلعي
يوم الاثنين والقمر في الحوت او السرطان او وضع وفقه وهو سعد
في النقعة بالحروف وكتب في كل بيت من الوفق الماسطر في ادويمك
دز عفران محلول بماء ورد في يوم من الايام التي تقدم ذكرها في نائج ساعته

الجبار ومن ... والى ... لتقه